



## مهره مار

یا پیدا کرده است و در دل هواداران جای دارد. همچنین گوشه بئر سه کلمه تاریخ، افتخار و تمدن نگاشته شده است و این کلمات معنای تصویر را وضوح می‌بخشد. آنچه بر فراز دست‌ها نگه داشته شده است گویای مهم‌ترین پیام هواداران و مضمون عکس است و آن یک حرف بیشتر نیست؛ مربی محبوب ما را بازگردانید. در واقع ژست حاضران، ژستی مبتنی بر تقاضا و انتظار است؛ همانطور که یکی از هواداران نیز به بالا (احتمالاً ساختمان باشگاه) نگاه می‌کند و جایگاه فرودست خود را نسبت به مقامات مسئول نشان می‌دهد و چشم انتظار تصمیمات مدیران باشگاه در اتاق‌های جلسات تمام نشدنی مدیران ورزشی است.

استراماچونی با حضور کوتاه‌مدتش در باشگاه استقلال رَه چندساله را در عرض چند ماه طی کرد که حتی بدون کسب عنوان قهرمانی یا کسب جام و افتخاری، بخشی از تاریخ و هویت باشگاه را به نام خود زد و به خود اختصاص داد؛ به گونه‌ای که در این لحظه و اکنون با اسطوره‌های نامدار و ماندگار باشگاه در یک قاب قرار می‌گیرد. همانطور که در بئر دیگری نیز آشکار است جای او در تیم خالی است و حتی حضور ستاره محبوب دیروز در کسوت سرمربیگری باشگاه و کسب دو نایب قهرمانی برای باشگاه برای هواداران طعم حضور مجدد استرا را نداشته و ندارد. راستش را بخواهید استرا مربی باهوش و خوش اقبالی بود. او از هوش و افرش مایه گرفت و خوی، زبان و خصلت ایرانی را خوب شناخت و چنان جای خود را در دل و روح هواداران تیم گشود که شاید هیچ عقل سلیمی نتواند ببیزد چطور در چند ماه یک سرمربی به چنین شهرتی دست پیدا کند. مخصوصاً آنکه او ایرانی نبود و به عنوان یک غریبه در بین هواداران آبی‌ها اعتلا یافت. استرا مُهره مار داشت اما مسئولان ورزشی نیز در فرصت‌سوزی و بدل کردن فرصت به چالش‌های مدیریتی ید طولایی دارند. تا ماه‌ها و سال‌های آینده روشن کند این عشق آتشین و فراق هواداران و استراماچونی به کدام مسیر و طریق کشیده خواهد شد.

حاکم بر استادیوم‌های ورزشی، فوتبال جنس و جنسیت نمی‌شناسد. در عکس‌ها زنان و مردان جوان دوشادوش هم و به‌رغم تفاوت‌ها و تمایزات اجتماعی مشغول یک کنش اجتماعی ورزشی هستند. همچنین عکس‌ها نشان می‌دهد زنانی که حجاب رسمی و مورد تأیید رسمی نظام سیاسی کشور را دارند نیز در خیل علاقه‌مند مشتاق فوتبال هستند و این امر تفکیک‌های پایگاهی و قشرمند هواداری فوتبال را به عنوان یک فرضیه باطل کرده و خط بطلانی بر آن می‌کشد. در عکس افراد ماسک بر صورت داشته و این امر مؤید ادامه وضعیت فراگیری ویروس کرونا است اما این ماسک مانع از اعتراض آرام کلامی هواداران باشگاه نشده است. آنها بعضاً ماسک از صورت برداشته تا صدای خود را به صورت رسا به گوش مدیریت باشگاه برسانند. پسران جوان خوش‌پوش و خوش‌تیپ بوده و پوشش‌های متعارف امروزی طبقه متوسطی دارند. همچنین برخی از آنان کیف‌هایی بر دوش خود انداخته‌اند، گویی از وسط کار و بار روزمره به میانه این تجمع مدنی پیوسته‌اند و پس از توقفی کوتاه مجدداً باید به روال کسالت‌بار و تکراری زندگی روزانه خود برگردند. عنصر دیگری نیز در عکس‌ها جلوه‌گری می‌کند. آن عنصر، تصاویر طراحی شده (و نه عکس) استراماچونی است.

این تصاویر همسان یکدیگرند و در کنار بئری که در دست هواداران است هویت این چند عکس را رقم می‌زند. تصویر استراماچونی با تمهیدات گرافیکی و رنگ آبی، بازطراحی شده و نگاه استراماچونی در تصاویر نگاهی امیدوار و رو به آینده را دلالت می‌کند. هواداران این تصاویر را بر سر دستان خود گرفته‌اند و این امر نشانگر جایگاه بالای استراماچونی در بین هواداران تیم فوتبال استقلال تهران و محبوبیت کاریزماتیک این سرمربی پرحاشیه است.

در عکسی دیگر استراماچونی در یک بئر مربعی شکل در کنار منصور پورحیدری و ناصر حجازی قرار گرفته است. به لحاظ قواعد نشانه‌شناختی این هم‌نشینی مؤید آن است که استرا نیز جایگاه مشابهی با اساطیر باشگاه استقلال داشته

خاصی صورت گرفته باشد. نشانه‌های عکس گویای آن است که این تجمع در حمایت از استراماچونی مربی اسبق استقلال تهران صورت گرفته است و این محل نیز روبه‌روی ساختمان فدراسیون فوتبال است. جمعیت حاضر نیز هواداران پروپا قرص تیم فوتبال استقلال تهران هستند که پس از جدایی و استعفای فرهاد مجیدی مربی سابق تیم در حمایت از بازگرداندن مربی محبوب آنزوری به حوالی مقر فدراسیون آمده تا اعتراض خود را به‌صورت آشکار و علنی به گوش مقامات ارشد فدراسیون و مسئولان باشگاه رسانده و حمایت و پشتیبانی خود را از مربی جذاب ایتالیایی بار دیگر ابراز نمایند. رفتار اجتماعی هواداران باشگاه در اینجا شکلی مدنی و مسئولانی و حاکی از مدنیت شهری و شهروندی دارد و به دور از هر نوع اقدام جمعی هیجانی و خشونت‌زا و کور است. افراد حاضر در عکس مجموعه‌ای از زنان و مردان عمدتاً جوان (بیشتر تا چهل ساله) هستند که هر کدام به‌نوعی وابستگی خود را به باشگاه محبوب‌شان متجلی ساخته‌اند.

مثلاً دختر جوان ماسک آبی دارد، زنی دیگر شالی آبی بر سر کرده و مقنعه دختر جوان دیگر آبی است و مردان دیگری شرت و کلاه آبی بر تن کرده‌اند. رنگ و نشان آبی در تصویر موج می‌زند و نوعی هم‌رنگی و یکدستی بصری به عکس بخشیده و این امر را گوشزد می‌کند که رنگ‌ها با فرهنگ‌های ورزشی تنیده شده و نه تنها اموری خنثی نیستند بلکه خون جاری در رگ‌های هواداران دو آتشه را جریان می‌بخشد.

همچنین البسه هواداران نیز پیراهن رسمی باشگاه ورزشی استقلال تهران است و این اکسسوار مانند کلاه، ماسک، پرچم و شال نشان می‌دهد این عناصر در کنار یکدیگر تشکیل کلیتی را می‌دهند که برای رقم خوردن عنوان هوادار متعصب، لازم و ضروری است. این امر که هواداران باشگاه را زنان و مردان تشکیل می‌دهند گویای آن است که هواداری امری منحصر به مردان نیست و برخلاف وضعیت



آرش حسن‌پور

پژوهشگر مطالعات تصویری

عکس‌ها خارجی‌اند. محل ثبت عکس جایی شبیه یک خیابان کوچک یکطرفه یا کوچه‌ای پر رفت و آمد است. خیابان یا کوچه اما به‌نوعی توسط انسان‌ها مسدود شده است. در حقیقت معبر توسط افرادی که در حال شعار دادن یا رفتاری اجتماعی هستند از رفت و آمد خالی شده است. در عکس ما شاهد تجمعی انسانی هستیم. جمعیتی حدود سی نفر که در خیابان به‌صورت متراکمی ایستاده‌اند. از نورهای عکس به نظر می‌رسد عکس ساعات قبل از ظهر یا نیمروز باشد. نور آفتاب در لایه‌های انتهایی عکس مشهود است و در پس‌زمینه شاهد خانه‌های مسکونی و نرده‌ها و حفاظ خانه‌ها هستیم اما تجمع افراد مانع از این امر شده که درب خانه‌ها و مشخصات محل یا محله بیشتر به چشم بیاید.

عکاس لایه‌ای جمعیت بوده و فاصله دوربین او تا مجموعه افراد حاضر در عکس فاصله زیادی نیست. از همین‌رو نمای عکس‌ها تقریباً نزدیک بوده و زاویه دوربین نیز با حضار درون عکس همسطح است. به‌جز حضور یک اتومبیل در عکس و چند عکس و بئر، نشانی از وسیله نقلیه و شیء دیگری در عکس دیده نمی‌شود. مدل اتومبیل گران‌قیمت به نظر می‌رسد. عکس‌هایی که از زاویه پایین از هواداران گرفته شده تیرهای چراغ برق خاموش را نشان می‌دهد که نوارهای مشکی‌رنگی آنها را قطع کرده است. نوارها و پارچه‌های مشکی‌رنگ نشانگر تقویم زمانی و رنگ مشکی دال بر ایام عزاداری و سوگواری ماه محرم است. به نظر می‌رسد تجمع به بهانه شکایت یا حمایت از فرد